

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه الرهن  
از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی



مؤلف: مُحَقِّقُ الْحَلِيِّ (أبو القاسم نجم الدين جعفر بن حسن رحمته الله)  
مترجم: مهدی رحیمی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: رحیمی، مهدی، ۱۳۶۴ -
عنوان قراردادی	: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام . فارسی - عربی. برگزیده. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: فقه‌الرهن از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی / مولف محقق حلی (ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن رحمه‌الله)؛ مترجم [او شارح] مهدی رحیمی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۳ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۷۶-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	: کتاب حاضر شرح بخشی از کتاب «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام» تألیف محقق حلی است.
موضوع	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام -- نقد و تفسیر
موضوع	: فقه جعفری -- قرن ۷ق.
موضوع	: Islamic law, Ja'fari -- 13th century*
موضوع	: رهن (فقه)
موضوع	: Mortgages (Islamic law)
شناسه افزوده	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. برگزیده. شرح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۴۰۴۲۳۴۴۶ ش ۳/م ۱۸۲/ب ۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۱۲۳۶۳

نام کتاب	: فقه‌الرهن از شرایع الاسلام با ترجمه فارسی
ناشر	: چتر دانش
مترجم	: مهدی رحیمی
نوبت و سال چاپ	: دوم - ۱۳۹۸
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۷۶-۹
قیمت	: ۲۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

## فهرست

۶.....	کتاب رهن
۶.....	در اصل رهن
۹.....	شرایط رهن
۱۴.....	راهن و مرتهن
۲۰.....	ملحقات رهن
۲۰.....	در احکام متعلق به راهن
۲۳.....	احکام متعلق به رهن
۳۰.....	اختلاف در رهن

## مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على خير خلقه و أشرف بريته محمد المصطفى و آله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين

این کتاب ترجمه و شرحی در تبیین کتاب شرائع الاسلام تألیف جعفرین حسن محقق حلی است. مرحوم محقق حلی از مشهورترین فقهای عصر خویش است و دارای عظمت و اعتبار خاص در میان مجتهدان می باشد، به حدی که وقتی کلمه «محقق» را بدون قرینه و نشانه‌ای در میان فقها ذکر کنند، شخصیت تحقیقی و علمی ایشان مورد نظر است.

محقق حلی فقه و اصول را در نزد پدرش حسن بن یحیی آموخت و از محضر فقهای مشهور حله، مانند ابن نما و سید فخار موسوی- شاگرد ابن ادریس حلی- بهره برد. محقق با یک واسطه شاگرد ابن زهره و ابن ادریس حلی است و استاد علامه حلی بوده است.

مرحوم محقق در زمینه‌های منطق، کلام و ریاضیات و هیئت تبحر داشته است و خواجه نصیرالدین طوسی متکلم و ریاضی‌دان مشهور، با او در حله ملاقات کرده است و در جلسه درسش حضور یافته است. کتاب‌های محقق همچون معارج الاصول، تلخیص الفهرست، شرح نکت النهایه و معارج الاحکام و... مخصوصاً کتاب شرایع الاسلام همیشه مورد توجه طلاب است چرا که این کتاب مشتمل بر فتوای مشهور فقهای قدیم می باشد. و فقهای بسیاری این کتاب را شرح کرده و یا حاشیه بر آن نوشته‌اند.

محقق حلی در سال ۶۷۶ ه.ق در سن ۷۴ سالگی بدرود حیات گفت و بدن مطهر ایشان را در جوار بارگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپردند. (و بنا به نقل علامه سید حسن صدر صاحب کتاب تأسیس الشیعه در حله به خاک سپردند).

کتاب حاضر متن و ترجمه بخش رهن از کتاب شرایع الاسلام است که به صورت مستقل از دیگر بخش‌های این کتاب منتشر می گردد.

ما در این کتاب سعی کرده‌ایم که با شرح و آوردن مثال‌های آسان، کلمات آن بزرگوار را تبیین نماییم تا موجب تسهیل طلاب و دانشجویان که قصد خواندن این کتاب ارزشمند را دارند، شود و خداوند را شاکرم که توفیق این امر را برای حقیر فراهم نمود.

در پایان از همه کسانی که بنده را در چاپ و نشر این مجموعه یاری رساندند کمال تشکر را دارم.

مهدی رحیمی

اردیبهشت ۱۳۹۶

## کتاب الرهن

وَالنَّظْرُ فِيهِ يَسْتَدْعِي فُصُولًا

### الأوّل: فِي الرَّهْنِ

۱ وَ هُوَ وَثِيقَةٌ لِدَيْنِ الْمُرْتَهِنِ. وَ يُفْتَقَرُ إِلَيْهِ الْإِجَابِ وَ الْقَبُولِ

۲ فَأَلِإِجَابٍ: كُلُّ لَفْظٍ دَلَّ عَلَيِ الْإِرْتِهَانِ، كَقَوْلِهِ: رَهْنَتَكَ أَوْ هَذِهِ وَثِيقَةٌ عِنْدَكَ، أَوْ مَا أَذِي هَذَا الْمَعْنَى. وَ لَوْ عَجَزَ عَنِ النُّطْقِ كَفَتِ الْإِشَارَةُ وَ لَوْ كَتَبَ بِيَدِهِ وَ الْحَالُ هَذِهِ وَ عُرِفَ ذَلِكَ مِنْ قَصْدِهِ، جَازًا.

## کتاب رهن

در چند فصل بحث می‌کنیم.

### فصل اول: در اصل رهن

۱ رهن، همان وثیقه و گرویی است که مدیون در نزد مرتهن (یا طلبکار) می‌گذارد. و نیاز به ایجاب و قبول دارد. (بدهکار که می‌خواهد خانه‌اش را به گرو بگذارد ایجاب را ادا می‌کند و به او رهن می‌گویند و طلبکار آن را قبول می‌کند و به او مرتهن می‌گویند).

۲ ایجاب: هر لفظی است که دلالت بر گذاشتن وثیقه و گرو، بکند، مثلاً بگوید، این خانه را به رهن تو می‌دهم، یا بگوید این خانه را در نزد تو به عنوان وثیقه گذاشتم، و یا هر عبارت دیگری که این معنا را افاده کند. و اگر نتواند تکلم کند (مثلاً لال است) همین که اشاره کند کافی است. و اگر در حالی که از حرف زدن عاجز است آن رهن را با دستش بنویسد و آن نوشته گویای قصد او باشد، جایز است.

۳ وَ الْقَبُولُ هُوَ الرِّضَا بِذَلِكَ الْإِجَابِ.

وَ يَصِحُّ الْإِزْتِهَانُ سَفَرًا وَ حَضْرًا. وَ هَلِ الْقَبْضُ شَرْطٌ فِيهِ؟ قِيلَ: لَا، وَ قِيلَ: نَعَمْ، وَ هُوَ الْأَصْحَحُ. وَ لَوْ قَبِضَهُ مِنْ غَيْرِ إِذْنِ الرَّاهِنِ لَمْ يَنْعَقِدْ وَ كَذَا لَوْ أُذِنَ فِي قَبْضِهِ ثُمَّ رَجَعَ قَبْلَ قَبْضِهِ، وَ كَذَا لَوْ نَطَقَ بِالْعَقْدِ، ثُمَّ جُنَّ، أَوْ أُغْمِيَ عَلَيْهِ، أَوْ مَاتَ قَبْلَ الْقَبْضِ.

۴ وَ لَيْسَ اسْتِدَامَةُ الْقَبْضِ شَرْطًا، فَلَوْ عَادَ إِلَى الرَّاهِنِ أَوْ تَصَرَّفَ فِيهِ، لَمْ يَخْرُجْ عَنِ الرَّهَانَةِ.



۳ و قبول: عبارت از رضایت به آن ایجاب است (فرقی نمی کند با لفظ باشد یا با فعل یا اشاره). قبول رهن هم در حال سفر صحیح است هم در حال حضر (کسی که سفر نکرده است). و آیا در قبول رهن، قبض و دریافت آن شرط است؟ یک نظر این است که: شرط نیست، یک نظر این است که: بله شرط است، و این نظر دوم بهتر است. (بنابراین اگر صیغه‌ی رهن جاری گردید ولی هنوز خانه را به مرتهن نداده باشد رهن صورت نگرفته است) و اگر آن مال را بدون اجازه رهن بگیرد، رهن منعقد نمی شود. همچنین اگر رهن اجازه‌ی قبض آن را بدهد، اما قبل از دریافت کردن توسط مرتهن، از آن اجازه خودش برگردد و اجازه ندهد، باز رهن منعقد نمی شود. همچنین اگر عقد رهن را به زبان جاری کند و بعد از آن و قبل از اینکه مرتهن آن را بگیرد، رهن دیوانه یا بی هوش شود، رهن باطل است.

۴ و باقی ماندن رهن در نزد مرتهن شرط نیست، بنابراین اگر مال رهن به رهن بازگشت (مثلاً خود مرتهن آن را نزد رهن قرار داد یا رهن بعداً آن را غصب کرد) و یا بدون اینکه آن را پس بگیرد رهن در آن مال تصرف کرد، آن مال از رهن بودن خارج نمی شود.

۵ وَ لَوْ رَهَنَ مَا هُوَ فِي يَدِ الْمُرْتَهِنِ، لَزِمَ، وَ لَوْ كَانَ غَضَبًا، لِتَحَقُّقِ الْقَبْضِ. وَ لَوْ رَهَنَ مَا هُوَ غَائِبٌ، لَمْ يَصِرْ رَهْنًا، حَتَّى يُحْضَرَ الْمُرْتَهِنَ أَوْ الْقَائِمَ مَقَامَهُ عِنْدَ الرَّهْنِ وَيَقْبِضَهُ.

۶ وَ لَوْ أَقْرَأَ الرَّاهِنُ بِالْإِقْبَاضِ، قُضِيَ عَلَيْهِ إِذَا لَمْ يُعْلَمَ كَذِبُهُ. وَلَوْ رَجَعَ، لَمْ يُقْبَلْ رُجُوعُهُ.

۷ وَ يَسْمَعُ دَعْوَاهُ، لَوْ ادْعَى الْمُوَاطَّاةَ عَلَيَّ الْإِشْهَادِ، وَ يَتَوَجَّهَ الْيَمِينُ عَلَيَّ الْمُرْتَهِنِ، عَلَيَّ الْأَشْبَهَةِ.



۵ اگر آن مالی را که در نزد مرتهن است (و ملک راهن است) را راهن به رهن گذاشت، (به مجرد اجرای صیغه رهن) آن رهن لازم می‌شود، حتی اگر مرتهن آن را غصب کرده باشد، (و بدون اجازه در نزد خود نگه داشته باشد) چرا که قبض مال تحقق یافته است (و نیاز به قبض مجدد نیست).

اگر چیزی را که از مجلس رهن غائب است به رهن بگذارند، رهن صحیح نیست و آن مال مورد رهن قرار نمی‌گیرد تا اینکه راهن، مرتهن (گیرنده‌ی رهن) یا قائم مقام او (وکیل و ولی و...) او را، در نزد مال مرهونه حاضر کند، و مرتهن آن را قبض و دریافت نماید.

۶ اگر راهن (رهن دهنده) اقرار کند که مال را به قبض مرتهن در آورده، (و آن را تحویل داده است) علیه او حکم می‌شود، (و دیگر حق تصرف در آن مال را ندارد)، البته در صورتی که دروغش معلوم نباشد. و اگر از این اقرار خود برگردد (بگوید اقرار من دروغ بود یا سهواً و از روی خطا اقرار کردم) رجوعش (نقض اقرارش) مورد قبول واقع نمی‌شود.

۷ و اگر رهن دهنده ادعا کند که با شاهد‌ها تباخی و دست به یکی کرده است (مال را به مرتهن داده است) ادعای او قبول می‌شود، در این صورت بنا بر نظر بهتر، مرتهن (گیرنده رهن) باید قسم بخورد.



۸ وَ لَا يَجُوزُ تَسْلِيمُ الْمُشَاعِ إِلَّا بِرِضَا شَرِيكِهِ سِوَاءَ كَان مِمَّا يُنْقَلُ أَوْ لَا يُنْقَلُ عَلَي الْأَشْبَه.

### الثَّانِي: فِي شَرَائِطِ الرَّهْنِ

۹ وَ مِنْ شَرَائِطِهِ أَنْ يَكُونَ عَيْنًا مَمْلُوكًا يُمَكِّنُ قَبْضَهُ، وَ يَصِحُّ بَيْعُهُ، سِوَاءَ كَان مُشَاعًا أَوْ مُنْفَرِدًا.

۱۰ فَلَوْ رَهَنَ دَيْتًا لَمْ يَنْعَقِدْ. وَ كَذَا لَوْ رَهَنَ مَنَفَعَةً كَسَكْنِي الدَّارِ وَ خَدَمَةِ الْعَبْدِ.



۸ اگر مال مشترکی (که سهم هریک از شرکا در آن معلوم نشده است) را به رهن بگذارد (رهن صحیح است) ولی جایز نیست آن مال را به مرتهن تحویل دهد، مگر با اجازه‌ی شریکش؛ بنابر نظر صحیح‌تر فرقی هم نمی‌کند از اموال منقول (مثل کتاب، جواهرات و فرش و...) باشد و یا از اموال غیرمنقول (مثل خانه، زمین و...) باشد.

### فصل دوم: شرایط رهن

۹ شرط رهن این است که از چیزهایی باشد که به ملکیت در می‌آید، و امکان قبض و دریافت آن وجود داشته باشد، و فروش آن صحیح باشد، فرقی هم نمی‌کند که مال فقط برای خودش باشد و یا با کسی در آن مال شریک باشد.

۱۰ بنابراین اگر کسی دین و طلب خود را به رهن بگذارد، صحیح نیست. و همین طور اگر کسی منفعت سکونت در خانه‌اش (اجاره‌ی منزل) را و یا خدمت غلامش را به رهن بگذارد صحیح نیست.

۱۱ وَ لَوْ رَهَنْ مَا لَا يَمْلِكُ، لَمْ يَمْضِ، وَ وَقَفَ عَلَيَّ إِجَارَةَ الْمَالِكِ. وَ كَذَا لَوْ رَهَنْ مَا يَمْلِكُ  
وَ مَا لَا يَمْلِكُ مَضِي فِي مَلِكِهِ وَ وَقَفَ فِي حِصَّةِ شَرِيكِهِ عَلَيَّ الْإِجَارَةَ.

۱۲ وَ لَوْ رَهَنْ الْمُسْلِمُ حَمْرًا لَمْ يَصِحَّ؛ وَلَوْ كَانَ عِنْدَ ذِمِّيِّ. وَ لَوْ رَهَنَهَا الذَّمِّيُّ عِنْدَ الْمُسْلِمِ،  
لَمْ يَصِحَّ أَيْضًا، وَ لَوْ وَضَعَهَا عَلَيَّ يَدِ ذِمِّيِّ عَلَيَّ الْأَشْبَهَةِ.

وَ لَوْ رَهَنْ أَرْضَ الْخَرَاجِ، لَمْ يَصِحَّ، لِأَنَّهَا لَمْ تَتَّعَيْنْ لِرِوَادٍ. نَعَمْ يَصِحُّ رَهْنُ مَا بِهَا مِنْ أُنْيِيَّةٍ  
وَ الْآلَاتِ وَ شَجَرٍ.



۱۱ اگر رهن‌دهنده چیزی را که مالک آن نیست به رهن بگذارد، جایز نیست، و موقوف به اجازه‌ی مالک آن چیز است. همچنین اگر چیزی را که سهمی از آن را مالک است و حصه‌ی دیگر را مالک نیست به رهن بگذارد، در قسمت خودش رهن صحیح است، و در قسمت شریکش بستگی به اجازه‌ی شریک دارد.

۱۲ اگر مسلمان شراب را به رهن بگذارد حتی اگر آن را به رهن کافر ذمی بگذارد صحیح نیست (چرا که مسلمان مالک آن نمی‌شود).

و اگر کافر ذمی شراب را در رهن مسلمان بگذارد، باز جایز نیست و اگر کافر ذمی شراب را در نزد کافر ذمی دیگر به رهن بگذارد، بنابر قول صحیح‌تر جایز نیست. و اگر کسی زمین خراج<sup>۱</sup> را به رهن بگذارد، صحیح نیست، چرا که آن زمین مال همه‌ی مسلمین است و مخصوص شخص خاصی نیست. بله، رهن چیزهایی که بر روی آن بنا شده مثل ساختمان و ابزار و درختها اشکالی ندارد و صحیح است.

۱- زمینی که با جنگ از کفار فتح شده که امام مسلمین باید آن را اجاره دهد و اجرت آن را صرف همه مسلمین کند